

قیمت: قبلاً حساب شده:

انتشار نظرسنجی جنجالی ایسپایی رغبتی دانشجویان
به سریال‌های رسانه ملی را نشان می‌دهد
تلویزیون در بستر احتضار!



کارتون: کاوه غاسملو

بی‌فیلتران!

کبر کی / صفحه ۵

گونه‌شناسی
کاهش قیمت مرغ

سرکن / صفحه ۲

نخ و گوشت و ذرت
کم‌یاب شد!

کلیک / صفحه ۸

نخ و گوشت و ذرت کمیاب شد!

● سلام عباس آقا! هم یک قرقر نخ قرمز بده که ای لیفتد
تنبونم شل رفته پاجش گیرفت به در اشکاف پره زفت، بُدم
عیالم یک کوکیش بزنه.

● نخ قرمز تموم کردیم. چند وقته نخ قرمز توی بازار کمیاب
شده و هیچ خرازی نداره!

● سلام اکبر آقا! برار گلم هم یک بزرگوشت بزم بکش بُبزم.
شب ختما چراغون درم عیالم یک آب گوشت مَشتی بار بذره.

● گوشت قرمز تموم کردیم؛ چند وقته گوشت قرمز توی بازار
کمیاب شده و هیچ قصابی ای نداره!

● سلام جعفر آقا! نگا کن! هم چارنده آزی بلالاکه شیری تره
بزم سیوا کن بُبزم با بچه ها بیگیرم رو گاز کلف بزنم.

● بلال تموم کردیم؛ چند وقته ذرت توی بازار کمیاب شده
و هیچ میوه فروشی ای نداره!

● بره مُگم تو مشد قحطی آمده که هم هیچی گیر نیمه؟!
[دینگ... دینگ] انا! وا زکی بزم اشمس فرستده؟! کو واستا
وازش گنم! چیه؟! چکاره؟! نیویشته: «مشهد میزبان نخستین
جشنواره روز ملی زعفران است». بعدم مخن دلایل کم رفتن
مصرف زعفران توی کشور خود ما ای
که کیشورای دنیا دگه خوش ندرن از ما زعفران
بخرن و ای که کشور همسده بجای ما بازار
زعفران ر گیرفتن دستشار بررسی کنن.
پس بوگو بری چی ای چن قلم توی مشد
کم رفته! فک گنم مخن توی جشنواره
یک عالم زعفران تارت و پارت
کنن و به مهمونا شا بُفروشن
با مُفته بدن. یک عده متقلب
ای کارار مُگنن، بعد وختیم از زعفران
حرف مزنن، نخش نخ قرمز و گوشت
قرمز ریش ریش رفته و کاکل ذرت
رنگ کرده که توی زعفران
شور مُخوره و قیمت
طلای قرمز مند زن
به مشتریار یادت میه!



صفحه ۲
۲۸ مهر ۱۴۰۳
شماره ۱۱۶

مشه ایچو بره؟! خسرو آبادیان

اول قسط، بعد قبر!



مهر ۱۴۰۳: بهشت زهرا (س) تهران: شهروندانی
که در بهشت زهرا (س) قبر رزرو شده دارند ولی تسویه
نکرده اند، باید به قیمت روز بهای آن را بپردازند.
(خبرگزاری مهر)

مهر ۱۴۰۴: بهشت زهرا (س): شهروندانی که هنوز بهای
قبر رزرو شده خود را پرداخت نکرده اند، به هیچ عنوان
اجازه مردن ندارند و در صورت مردن، چه به صورت
مرگ طبیعی و چه به صورت مرگ غیرطبیعی، با آن ها
برخورد خواهد شد.

مهر ۱۴۰۵: بهشت زهرا (س): امواتی که با وجود داشتن اقساط عقب مانده داخل قبرها حضور دارند،
هرچه سریع تر قبرها را ترک کنند، وگرنه قبرشان پلمب خواهد شد.

مهر ۱۴۰۶: بهشت زهرا (س) اعلام کرده که از این به بعد از ورود امواتی که به هشدارها درباره ممنوعیت مردن
افراد دارای قسط عقب مانده توجه نکرده اند، جلوگیری خواهد شد؛ حتی اگر ۱۰ هزار تومان بدهی بابت
قبرشان داشته باشند. در همین حال، فرهنگستان زبان و ادب فارسی اعلام کرد با توجه به اتفاقات اخیر،
ضرب المثل «میت روی زمین نمی مونه» منقضی شده است و از عموم شهروندان خواست از به کار بردن
این ضرب المثل به صورت کاملاً جدی خودداری کنند.

حالا که رسید به هفت تا، ما می زنیم هفتاد تا!



رئیس صداوسیما: بعضی ها از اینکه رسانه ملی بیش
از ۷۰ درصد مخاطب دارد، ناراحت اند. چرا باید ناراحت
باشند؟ (خبرآنلاین)

رئیس صداوسیما: بعضی ها از این ناراحت اند
که چرا در پیام های بازگانی، فرد داخل پنت هاوس
چند صد متری زندگی می کند، ولی آن قدر از دیدن
داخل تون ماهی ۱۸۰ گرمی ذوق زده می شود که یک
زن از دیدن ۱۸۰ گرم طلا خوش حال نمی شود. چرا باید
ناراحت باشند؟

رئیس صداوسیما: بعضی ها از این ناراحت اند که چرا
در صداوسیما درباره بدی های فضای مجازی کلی برنامه می سازیم، ولی در انتهای تک تک همان
برنامه ها، نشانی برنامه در پیام رسان های مختلف مجازی اعلام و همچنین زیر نویس می شود. واقعا
چرا ناراحت اند؟

رئیس صداوسیما: بعضی ها از این ناراحت اند که چطوری است که ما هم بودجه سالانه می گیریم،
هم همیشه تبلیغات می گیریم و با این همه منابع مالی، برنامه و سریال جدید تولید نمی کنیم، ولی
بودجه کم می آوریم؟ واقعا چرا باید ناراحت باشند وقتی جواب این سؤال را خود ما هم نمی دانیم؟

رئیس صداوسیما: بعضی ها از این ناراحت اند که چرا جومونگ ۷۱ بار از صداوسیما پخش شده است.
این یک مورد انمی گویم چرا باید ناراحت باشند، چون می دانم حق دارند. باید ۸۱ بار پخشش می کردیم.

کن تو کن منصوره احمدی

قدردانی از واحدهای نمونه استاندارد در هفته استاندارد



۱ جای خالی برای کیه؟ چرا
نیومده ازش قدردانی کنیم؟

۲ نماینده خودروسازها، معلومه
دیگه، پس که خجالتی و محجوبین
گوگولیا.

رئیس سازمان بورس در اختتامیه ششمین جشنواره ملی بورس و رسانه



لامصب خودش که تا خرخره
قرمزه هیچ، صندلیای جشنواره ش هم
قرمزه، یه مشت املت کوچه تحویل من
دادن می کن سبزش کن...

اعضای هیئت دولت در جمع خبرنگاران



۲ همون همیشگی!
صبوری!

برای حل مشکل فیلترینگ فرمودین
مردم صبوری کنن سرکار خانم، راهکارتون
برای سایر مشکلات کشور اعم از سکه
۵۰ میلیونی، دلار ۶۳ تومنی، تورم و... چیه؟

بازگشت رئیس مجلس شورای اسلامی از بیروت

اتحادیه اروپا خطوط هوایی ایرانی را تحریم کرد



۱ آب روغنش رو چک کردی، بده بچه ها به
چادری چیزی روش بکشن فعلا توی چشم
نباشه بزتن این زیون بسته رو هم تحریم کنن...

۲ رو چشم قربان،
حتما.

میکنده بدون فیلتر!

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
خواهم شدن به میکنده گریان و داد خواه
از هر کرانه تیر دعا کرده ام روان
این سرکشی که کنگره کاخ وصل راست
حافظ چوناغه سر زلفش به دست توست
دم درکش از نه باد صبا را خبر شود

ای صاحب فال که از مشکلات اینترنت و فیلترینگ شاکی هستی، حافظ همین اول حرف سخنگوی دولت رو تکرار می‌کنه و می‌گه درسته داری خون به جیگر می‌شی، ولی اینترنت مثل لعل و شکر می‌شه! صوری کن!

در بیت دوم حافظ به صاحب فال می‌گه یادته از دست اینترنت و فیلترینگ گفتی می‌رم خارج (میکنده کنایه از خارج است) بعد دیدی به این راحتی نیست؟! توی بیت بعدی می‌گه تو هم مثل دوسوم مشتریان تلفن همراه شونصدتا فیلتر شکن نصب کردی و هوی یکی یکی امتحان می‌کنی که شاید یکی کارگر بشه و وصل بشی! در ابیات بعدی خواجه شروع می‌کنه به نصیحت و می‌گه ببین، اون فیلتر شکنی که با این وضعیت اینترنت وصل می‌شه، خیلی ارزشمند و همه براش جون فدا می‌کنن! پس حواست باشه الان که پیداش کردی، ساکت باش و به دوست و آشنا لو نده. چون همه می‌ریزن داخلش و باد صبا هم متوجه می‌شه و اون رو از کار می‌ندازه!



در حاشیه وعده عجیب تأمین ۵۰ گیگاهای انرژی توسط وزیر نیرو

دوره‌های چهاردهمی‌ها

پیشکین: عباس جان، خدا بگم چی کارت کنه، این وعده چی بود دادی که پنجاه گیگاهوات انرژی تجدیدپذیر تا پنج سال آینده نصب می‌کنی؟

وزیر نیرو: خیالت راحت داداش، کمتر از پنج سال تحویل می‌دم پنجاه گیگ که چیزی نیست.

ظریف: کی گفته پنجاه گیگ کمه؟ قبلاً با دو گیگش آدم باردار می‌شده.

عارف: افکار ظریفیت تولید برق کشور ما از زمانی که اديسون برق رو کشف کرد، ۵۹ گیگاهواته، تو چطور می‌خوای توی پنج سال اندازه این زمان تولید کنی؟

وزیر آموزش و پرورش: آخ، فکر کنم گیگ رو با مگ اشتباه کردم. مگه مگاوات از گیگاهوات بیشتر نبوده؟

وزیر آموزش و پرورش: بیا! بعد به آموزش ما گیر می‌دن، این هم دانش آموزای نظام قدیم، بین عزیز من، دکا، هکتو، کیلو، مگا، بعدش گیگاست.

وزیر ارتباطات: بچه‌ها حالا این دفعه که گذشت، به کاری ش می‌کنیم، ولی تو رو خدا وعده‌الکی ندین، با مردم صادق باشین، ببینین من خودم هیچی قول و وعده موقع انتخابات ندادم، رئیس جمهور شدم.

وزیر ارتباطات: قربان، پس این وعده رفع فیلترینگ که دادین چی؟

مسعود پیشکین removed the ستاره‌اش می: ای بابا دستم خورده دکمه ریموو، دوستان یک وزیر ارتباط جدید توی دست و پالتون ندارین؟

وزیر راه: می‌شه دوباره داش کرده‌ها، من برای مسکن چی کار کنم قربان؟ قول بدم یا نه؟ اوضاع مسکن جالب نیست.

وزیر راه: نه، فعلا دست نگه دار، بازار خرابه، من یک دوست بساز و بفروش دارم، گفته شیش ماه دیگه قیمت‌های کشته بالا، اون موقع خوبه بسازی.

وزیر راه: آقا اینارو ولش کنین، یکی بگه من چی کار کنم؟ این خبرش مثل بمب صدا کرده، همه می‌کن کارایی که می‌خوایم بکنیم رو بگیم.

وزیر راه: ببین، فعلا نفری به دونه پتل خورشیدی بیار بذاریم توی دفترمون، بگوداریم توی محیط کار هم برق تولید می‌کنیم، تا در فرصت مناسب بریم توی کتابای درسی جای گیگ و مگ رو عوض کنیم.

صفحه ۲
۲۸ مهر ۱۴۰۳
شماره ۱۱۶

توسعه یافتگی به روش خودمانی!

در حال توسعه ترین کشور هفته: رئیس انجمن تغذیه بالینی ایران گفت: «تا سال ۱۴۱۴ به جایگاه نهمین کشور چاق در جهان می‌رسیم.» این حرف یعنی اگر چه معلوم نیست اقتصاد ما تا ۱۰ سال دیگر چقدر توسعه پیدا کند، در عوض شکممان تا دلتان بخواهد توسعه می‌یابد.

در ازترین صف هفته: اعلام شد که پارسال ۱۴۹ هزار نفر در صف دریافت وام ازدواج بودند، ولی امسال نزدیک ۴۰۰ هزار نفر توی همین صف ایستاده‌اند. این صف طولیل وام ازدواج مثل صف گرفتن شله است، به خصوص آن قسمتش که می‌گفتند شلوغ نکنین به همه تون می‌رسه، ولی آخرش به خیلی‌ها نمی‌رسید!



شگفتی ساز ترین

جاساز هفته: از شیشه شور

ورادیا تور یک خودرو پنجاه لیتر ماده مخدر شیشه کشف شده است. لذا اگر این دفعه ماشینی را دیدید که ظاهر راننده‌اش به مصرف‌کننده نمی‌خورد ولی با سرعت دیوانه و ارالایی می‌کشد، بدانید و آگاه باشید که ماشینش مصرف‌کننده است نه خودش. به جای آب داخل رادیا تور مواد توهم‌زا ریخته‌اند و رادیا تور به جای اینکه آب را بفروشد داخل موتور ماشین، مواد توهم‌زا را به خورد ماشین داده است که این حرکات را از آن می‌بینید!

سخنگوی دولت: برای حل مشکلات اینترنت صبر کنی

الای آنکه در آس اموری
به من می‌گی صبری کن، صبری
بگو تا کی کنم صبر آخه بنده؟
منو کشتی تو با این فیبر نوری!

گلایه کاربران: بسته‌های اینترنت زود تمام می‌شود

نکش این قدر دائم شونه و شاخ!
چرا این قدر هستی آخه گستاخ؟
توم می‌شه سریع بسته تو؟
به ما چه؟ بسته تو هست سوراخ!

وزیر آموزش و پرورش: میانگین معدل دانش آموزان مطلوب نیست

چه فایده این همه خودکار و دفتر
می‌آد با نمره تک باز از در!
مگه تو مدرسه جنگه که امروز
شدن شاگردهای ما تک آور؟!

تهفیه خانه چرم شهر در فهرست آلاینده‌ها

مخزن تو پر شده از ساس و کک!
با چه شود صاف؟ بگو! بالک؟
هر چه بگندد نمکش می‌زنند
وای به روزی که بگندد نمک!



مُشتباً قشش کن...

پژوهش هانشان داده است در سال های اخیر بانک های مرکزی دنیا توانسته اند با رویکردی علمی و هماهنگ افزایش نرخ بهره و سپس کاهش آن، نرخ تورم را مهار کنند. به همین بهانه رویکرد های رئیس بانک مرکزی یکی از کشورهای دوست و برادر را که به صورت جزوه نوشته است، بررسی کرده ایم.

روز شصت و نهم: سیزدهم

تقصیر خورتان است

چند روزی است که رسانه ها شروع کرده اند به غرغر که تورم بیشتر می شود. صحبت از هجوم مردم برای خرید ارز های خارجی و به خصوص دلار است. کنفرانس خبری تشکیل دادیم و اعلام کردیم این افزایش تورم به دلیل هیجانات جامعه است و تقصیر را گردن خود مردم انداختیم.

روز شصت و نهم: بیار پایین

امروز مشتبا، نوه عمه ام که مسئول مؤسسه آنتی باکتریال سمفونیک مجمع متحده بانک ها است، در نامه ای نیمه محرمانه برایم نوشت که نه تنها تورم کاهش نیافته، که افزایش هم یافته است. خیلی عجیب است. اصلاً بانک ها چه گناهی کرده اند که باید سود زیادی بدهند؟ برای همین دستور دادیم که نرخ بهره را کاهش دهند.

روز اول: ببر بالا

طبق بررسی های کارشناسانه کارگروه تحقیق و توسعه بانک مرکزی، به این نتیجه رسیدیم که باید نرخ بهره را بالا ببریم تا تورم کاهش یابد. آنتونی، پسر خاله ام، رئیس این کارگروه، گفت که این راهکار در بیش از ۱۵۰ کشور پیشرفته جهان امتحان شده و جواب است.

سمفونی بانک مرکزی برای کاهش نرخ تورم (جراید)

روز صد و شصت و دو: برابرش کن

نه خیر، تورم کم بشو نیست. دخل خودمان در دولت هم خالی شده. در نشست فوق العاده سازمان همیاری های بین میزی اعلام کردم که از فردا نرخ بهره دو برابر خواهد شد. شاید مردم پول به بانک ها بیاورند.

روز دویست و یکم: باو بورس

مشتبا سر مراسم سیسمونی برون دخترش با آنتونی قهر کرده. برای همین مایکل خبر داد که تورم مثل کش تنبان از دست ما دررفته. اصلاً مردم کوفت بخورند با این نرخ بهره. باید نرخ بهره کاهش یابد و در عوض بگوئیم از بورس حمایت می کنیم. باید همه راه ها را امتحان کنیم، شاید یکی جواب داد.

روز دویست و سی و هفتم

کار خورشونه

انگار درست بشو نیست. دیگر وقتش است که از همان فرمولی که همیشه جواب می دهد، استفاده کنیم. اعلام کردم افزایش تورم کار تندرهای اپوزیسیون درون حزب مقابل است. برایشان هم خط و نشان کشیدم و گفتیم به زودی مردم شاهد اقدامات ضربتی برای کاهش نرخ تورم خواهند بود.

روز سیصد و شصت و پنجم

سازمان جی پرا راه بنار

همه چیز به هم ریخته و یک شیرتوفیلی شده که بیا و ببین. باید یک سازمان نظارت بر کارگروه مجمع اداره ها تشکیل بدیم تا اوضاع سرو سامان پیدا کند. رابرت، پسر عمو تام، هم کچلم کرد از بس گفت دنبال کار می گردد.

روز دویست و هفتاد و نهم: شیر خاور

بورس چنان قرمز شده که انگار از تابلوهایش خون می چکد. بیچاره مردمی که به حرف ما گوش دادند و رفتند در بورس سرمایه گذاری کردند. البته تقصیر خودشان هم هست، نباید بی گدار به بورس می زدند. چون قرمز رنگ تیم ساو مائولو است، می گوئیم تقصیر تیم رقیب یعنی مایرن بولیخ است که رنگشان آبی است. و می خواهند پنجره نقل و انتقالات را ببندند تا حکم تعلیقی بگیرند. چند روزی هم این طوری می گذرانیم.

صفحه ۴
۲۸ مهر ۱۴۰۳
شماره ۱۱۶

قانون گرانش افقی زمین

فرهنگ شهروندی

فرهاد ناجی



تاکنون من به شدت از صف های طولانی متنفر هستم و برای رهایی از آن شروع می کنم به فکر کردن درباره چیزهای عجیب و غریب در ذهن و اطرافم. در این حین، صف به طرز عجیبی جلو می رود و من همچنان در حال تفکر عمیق وقت را می کشم. همیشه در صف هایی که قرار می گیرم، افرادی هستند که به نظر می رسد از من سریع تر هستند. زیرا آن ها مثل تیرهایی از کمان

هر بار که خودم را در یک صف می بینم، نمی توانم به این فکر نکنم که چرا من همیشه آخر صف هستم؟ گویی که یک قانون نانوشته وجود دارد که می گوید من باید آخرین نفر باشم. به راستی اگر یک رویداد المپیک برای حضور در آخر صف وجود داشت، هر بار طلا می گرفتم. باید اعتراف کنم که از دوران کودکی استعداد ویژه ای برای ایستادن در صف های نامتناهی مانند نانوایی در من متبلور شد. از همان زمان

رها شده، به جلو می روند، در حالی که من آرام و بی خیال ایستاده ام و با خود فکر می کنم که چرا همه این قدر عجله دارند. به همین دلیل است که من همیشه آخرین نفر در صف هستم و نمی توانم از آن جایگاه جلوتر بروم. یکی دیگر از دلایل این موضوع، قدرت جاذبه افقی زمین است. به نظر من، زمین به گونه ای طراحی شده است که من را به سمت آخر صف بکشد. زیرا هر بار که سعی

گونه شناسی کاهش قیمت مرغ

در حاشیه گردن کشی قیمت مرغ در بازار

کی جرئت کرد قیمت رو ببر سه که
بزنم خودش رو هشت تیکه کنیم؟



کارتون: مجید صالحی

اوضاع مرغ در مشهد هم حسابی شترگاوپلنگ شده است. از یک طرف قیمت هر کیلو مرغ در هفته گذشته تا کیلویی ۹۸ هزار تومان هم رسید، در حالی که مدیر بازرسی اصناف گفته بود قیمت مصوب مرغ گرم مطابق آخرین قیمت گذاری کشوری کیلویی ۷۳ هزار تومان است. از طرف دیگر، مقام وزارت جهاد کشاورزی گفته بود افزایش تقاضا به دلیل تغییر فصل به افزایش قیمت این محصولات در بازار منجر شده است! این حال، تولیدکنندگان مرغ هم مدعی بودند وقتی قیمت تمام شده ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان است، چگونه می شود آن را به قیمت مصوب فروخت؟ به هر حال ما به عنوان متخصص در هرررر چیز، اکنون پاسخ می دهیم که: این گونه!

گونه اول:

اول مرغ نفوریم یا تخم مرغ؟

مرغ نخوریم و به قول معروف تخم مرغ بخوریم! اگر آن هم گران بود، گوشت قرمز بخوریم. این گونه هم قیمت کاهش می یابد، هم تنوع غذایی بیشتر می شود، هم واریس می گیریم!

گونه دوم:

جریمه جریمه

هرجا مرغ را گران می فروخت، به مسئولان حواله اش کنیم. یعنی گران فروش را حواله کنیم. این گونه هم تنبیه می شود، هم جریمه، هرچند جریمه اش می رود توی جیب دولت.

گونه سوم:

جیک جیک مستون

چون گفته شده تغییر قیمت به دلیل تغییر فصل است، کمی صبر کنیم و دست نگه داریم تا فصل عوض شود. اصلاً از قدیم گفته اند جوجه را آخر پاییز قیمت می کنند. اگر فصل عوض شد و مرغ به جای ارزان شدن، گران تر شد، باز هم صبر کنیم تا فصل بعدتر از قدیم گفته اند مرغک نمیر بهار می آید، قمپزه با چنار می آید!

گونه چهارم:

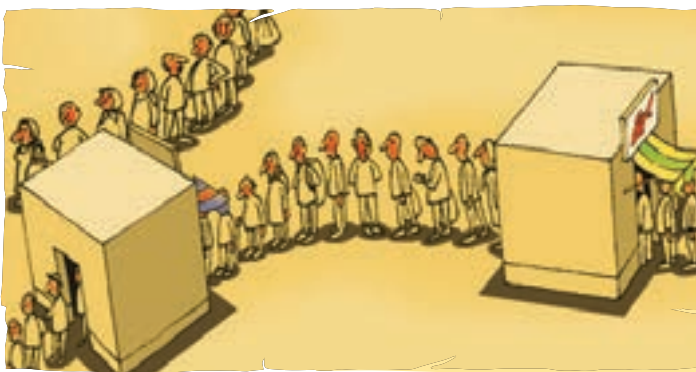
آب بنی

قیمت تمام شده مرغ را کمتر کنیم. چگونه؟ این گونه که مثلاً به جای دان، نان خشک بدهیم. آن هم گران است؟ مقوا بدهیم، از گاو و گوسفند هایمان که کمتر نیست. آن هم گیر نیامد، آب خالی بدهیم بخورد. تازه این طوری مرغمان آب دارتر هم می شود!

گونه پنجم:

جوجه وارر کنیم

مرغ وارد کنیم. حالا درست است که واردات به ما ربطی ندارد و مال از مایه ترون است، ولی در حد خودمان که می توانیم به کشورهای همسایه برویم و یکی دو تا جوجه را گول بزنیم و توی چمدان بگذاریم و بیاوریم. همان هم غنیمت است.



نمی بینند. مثلاً وقتی همه دارند به جلو می روند، من می توانم به پرند ها نگاه کنم یا به گل های کنار پیاده رو توجه کنم. پس، من با افتخار اعلام می کنم که من همیشه آخر صف هستم و این موضوع را اصلاً بد نمی دانم. چون زندگی پر از لحظات جالب و آموزنده است و من همیشه آماده ام تا آن ها را تجربه کنم. پس بیایید با هم از صف های طولانی لذت ببریم!

می کنم به جلو بروم، احساس می کنم نیرویی نامرئی مرا به عقب می کشد. شاید این نیروی جاذبه افقی زمین که خودم کشفش کرده ام، همان نیرویی باشد که باعث می شود من همیشه آخرین نفر باشم. در نهایت باید بگویم که شاید این سرنوشت من باشد. شاید خداوند خواسته است که من همیشه آخر صف باشم تا بتوانم از همه چیز لذت ببرم و چیزهایی را ببینم که دیگران



صفحه ۷
۲۸ مهر ۱۴۰۳
شماره ۱۱۶

دارم استفاده می کنم!

فاحش شود، ولی چون معنای حکم رانمی فهمد که شاید مشمول عفوشده، اعتراض کند و به حبس بیشتر به خاطر گرفتن وقت قانون محکوم شود؟! یا به پسر دایی بی شعورم که برای ادامه تحصیل می خواهد برود خارج (بابایش پول خودیاری و پذیرش دانشگاه بورکینافاسو را واریز کرده، ولی هنوز برگه ایلایش نیامده. چون شهر مربوطه پست و اینترنت ندارد و داده اند چایار بیاورد!)، بگویم به جای آنکه صبح تا شب پای تحلیل های ایران اینترنت نشنال و کلا اینترنت نشنال بنشیند و نال بزند که کی می تواند از اینجا برود، آن میزان چربی راز پشت کامپیوتر و موبایل و ماهواره تکان بدهد و برود ورزش کند تا در بهشت بورکینافاسو در قلب آفریقا، اگر وسط بالا بردن آجرهای دانشگاه، شیر، گرازی چیزی حمله کرد، بتواند با سرعت بیشتری فرار کند یا از خودش دفاع کند. اگر هم نتوانست، از استراتژی های دفاعی شوهر خاله که برای کشور در وضعیت کنونی منطقه می چینه، استفاده کند!

خب معلوم است این ها را بگویم، ممکن است آینده اش و خودش را خراب کند و دیگر به آن زندگی آرمانی که می اندیشد، نرسد! همان بهتر که حرف نزنم. آخرین بار که حرف زدم، به داماد خود مان برخورد، خواهرم را طلاق داد، مادرم سکنه کرد، پدرم از من شکایت کرد، باتست مشکل حاد روانی از دادگاه نجات پیدا کردم، ولی خب بستری ام کردند و گاهی فقط برای مهمانی ها می آیند دنبال ما تا فامیل را فراموش نکنم!

در مهمانی ها به من می گویند «چقدر کم حرف شدی؟» پاسخ می دهم «دارم استفاده می کنم!» ولی خب چه استفاده ای؟! قدمت بحث درباره ترافیک و گرانی و آب و هوا و جنگ و کار خود شونه، به قدمت فسیل هاست. بازار فسیل ها یک نفت و گازی در آمده که ما را گرم می کند، ولی از این بحث ها آبی گرم نشده که نشده. من در طول مهمانی نمی توانم تصمیم بگیرم که وارد بحث بشوم یا نشوم تا اتفاقات تلخ قبلی تکرار نشود. مثلا اگر به شوهر خاله ام بگویم که کنترل شرایط جنگی منطقه به آسانی کنترل کولر و تلویزیون نیست، ناراحت می شود؟! خاله ام را طلاق نمی دهد؟! پسر خاله ام را با کمربند کبود نمی کند؟! پسر خاله ام در بی طلاق والدین و کتک خوردن از پدرش و مشغول بودن تلفن اورژانس اجتماعی سرخورده نمی شود؟! که بعد از آن مشغول بزه شود و مشمول حبس بدل از جرائم نقدی بدون اسقاط کافه خیارات و لو خیارغب



عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد:
باید فیلترینگ برداشته شود و به شرط عمل به این وعده رئیس جمهور،
وعده های اقتصادی را هم می شود عملی کرد.
(خبر آنلاین)

نقی معمولی: تا وقتی برجام به ثمر نرسیده است، ما چطور می توانیم مادر آقای بانو را برای بلبل نجعلی بگیریم؟ 	مدیرعامل معدن «معدن جو» ی طیس: باید تکلیف حکم بیرانوند مشخص شود و به شرط معلوم شدن می توانیم معادن را ایمن سازی کنیم 	نتانیاهو: هنوز دریاچه ارومیه احیا نشده، بعد منتظرید بین ما و حزب آتش بس شود؟ شما دیگه کی هستید! 	وزیر صمت: به محض اینکه صعود تیم ملی به جام جهانی قطعی شود، کیفیت خودروهای تولیدی را افزایش می دهیم 	مدیر مجموعه ورزشی آزادی: باید معوقات فرهنگیان پرداخت شود، و گر نه بازسازی ورزشگاه آزادی حالا حالاها تمام نمی شود 
---	---	---	---	---

بی فیلتران!

وزیر ارتباطات اعلام کرده: «دوسوم مشترکان تلفن همراه از فیلترشکن استفاده می کنند.» ما الان به درست و غلط بودن حرفش کار نداریم، فقط سؤالمون اینه که اون یک سوم چطور می تونن بدون فیلترشکن سرکنن؟



شاید امکان خریدش روندان



شاید نصب هم کردن ولی راه نمی ده

شاید امکان نصبش روندان



شاید خیلی بی بچه مثبت هستن



اصلا شاید هم بهش نیازی ندارن

شاید به جای کار آمار می لنگه

رؤیای تسلا، کابوس پراید

رؤیا فروشی به اسم واردات خودرو کار کرده (جراید)

یکی دارد مربا می فروشد
یکی هم موز و خرما می فروشد
یکی رفته ست از شهر سمرقند
بخاری در بخارا می فروشد!
یکی دور است از تولید ملی
به جای دوغ، کوکا می فروشد
یکی کارش فروش قبر هست و
دو همت، شش وجب جا می فروشد!
یکی ارزان فروش است، آخرت را
چقدر آسان به دنیا می فروشد
نشسته پشت میز خویش و دارد
بدون زحمت امضا می فروشد
یکی مشغول جاسوسی است هر جا
شبانه روز دیتا می فروشد
یکی همدست با کنکوربان است
کلاغ سبز و گاما می فروشد!
به انگورش زده حراج، بابا
به میدان «ریش بابا» می فروشد!
نگارم دلبری کردن بلد نیست
به بنده سنگ خارا می فروشد!
رسیده شنبه، از لطف «پلخمون»
حسابی «شهرآرا» می فروشد!
به اسم واردات خودرو، امروز
فلانی گرکه رؤیا می فروشد...
هیوندا و کیا و مازراتی
و یا جگوار و مزدا می فروشد
نه تنها نوع بنزینی و دیزل
که برقی، مارک تسلا می فروشد
بود بهتر ز کابوس پرایدی
که با اجبار سایپا می فروشد

* ریش بابا، نوعی انگور



شوخی

اللهه آراتیان

الهی!
این روزها که وزیر اقتصاد موافق کاهش سود بانکی است، تو
را شکر که همیشه مخالف کاهش سود اعمال نیک ما هستی!

پلخمون

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمجتبی موسوی مهر
سرمدیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمیمه: ارزنگ حاتمی
دبیر پلخمون: مجتبی نخعی راد
صفحه آرایی: سید هاشم دقیق

پیتاک: ۰۰۷۲۸۹۱

دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir